

رحمت خویشم ایچدی کر	بهرست حاجب ارسد
مجانیکه امر کردست تو	تا و برستیم رحمت بارو
باز رحمت بروم باک آنم	بر رحمت ایچدی عالمینم
عجایبیکه لایق است با آنم	ایکبار صلوة خویشم درو
اللهم صل على نبيك المصطفى وصيوك الترضى ووليك الجبتي واليمينك علاخي اللهم	
رحمت پشمار لا حصی	بریز تو مصطفی بارو
کور رسول تو رضی باشد	هم ولی تو مجتبی باشد
هم امین تو باشد نزد ما	بس که حافظ بود و جوی ما
اللهم صل على محمد اکرم الأنساکم القایم بالعدل والأیضاف المنعوت فی سوره الأعراف المنخب من أصلاب البشران والبطون الطیرانی المصطفی من مصاص عبد المطلبین عبد منافی الذی هدایت به من الخلائق ولبنت به سبیل العفاف	

رحمت از تو بار و درخیز	بهریز که شکر منم باشد
او دست فایم بعد از انصاف	نعت او خواند بسوره اعراف
منتخب دایم ز صلبها کرم	تکلمه ای که انصاف طرف
از صل عبد المطلب انصاف	یعنی این زکر عبد مناف
و این رسول حق منزه کردی	ره نمودی با وزیر راه خلا
طرق عافیت بیز کردی	شفقت خود ما و عیال کردی
اللهم انی استسکت بافضل استسکتک و یا حبت استسکتک الیک واکرمها علیک و یا مننت علیک یا یحیی یا یصلی الله علیه و آله	
خیز ترا ایچدی کر من عدل	جویم ابا به بهرین سوال
باجب تا مرا استسما	سور تو ایچدی اعراف سما
اکرم ما همایسور تو	نیز در ارم بسجود تو
هم بر ایچدی نهاده منت	ارحمت ما تو شفقت
صلوة خدا بر بروی بارو	هم تحیت بروی بارو باد
فأستسکتن ثنایه من الضلاله واستسکتنا	

رکت